

بسم الله الرحمن الرحيم

ارتش مصر در آزمون سرنوشت: یا حامی امت، یا شریک جنایت!

(ترجمه)

به سربازان مخلص ارتش مصر، به دلیرمردانی که برای دفاع از امت اسلامی سلاح به دست گرفته‌اند، به آنان که غیرت اسلامی و حس عزت در دل‌شان زنده است! امروز با شما سخن می‌گوییم؛ در حالی که دل‌ها از اندوه لبریز شده‌اند، مصیبت‌ها شدت گرفته‌اند، محاصره همه‌جانبه‌تر شده و زخم‌های غزه و سرزمین مقدس عمیق‌تر گردیده است؛ جایی که مردان، زنان و کودکان بی‌گناه زیر آوار به شهادت می‌رسند، پیکرهایشان در آتش خیانت می‌سوزند و مسلمانان میان مرگ، گرسنگی، آوارگی و کوچ اجباری گرفتار آمده‌اند.

ای سربازان سرزمین کِنانه، ای نوادگان صلاح‌الدین ایوبی، ای کسانی که قدرت و یاری در دستان‌تان است! آیا وقت آن نرسیده که برخیزید؟ آیا زمان آن نرسیده که این سلاحی که در دست دارید، به‌سوی ستمگران نشانه رود، نه برای پاسداری از تخت‌های ظالمان و مرزهای ترسیم‌شده در توافق ننگین سایکس-پیکو؟ آیا خون در رگ‌ها بتان از خشم و غیرت به جوش نمی‌آید در برابر آنچه بر سر برادران‌تان در غزه و سراسر فلسطین می‌آید؟

ای فرزندان اسلام در ارتش کِنانه! برادران‌تان در غزه پیش چشمان شما سر بریده می‌شوند، در محاصره‌اند و گرسنه مانده‌اند، خانه‌ها و مساجدشان ویران می‌شود، کودکان و زنان‌شان بی‌رحمانه به قتل می‌رسند. همه این جنایات به دست یهودیان رخ می‌دهد، آنانی که نه دین شما را حرمت نهادند و نه پیمانی با شما نگهداشتند؛ می‌کشند و ویران می‌کنند در سایه حمایت جهانی و توطئه حاکمان شما. با این حال، هنوز در پادگان‌ها خاموش نشسته‌اید؛ نه این خون‌های ریخته‌شده شما را می‌جنابند، نه فریاد یتیمان و ناله‌های مادران داغ‌دار، دل‌تان را می‌لرزاند! آیا اینانی که امروز در غزه قتل‌عام می‌شوند، برادران دینی شما نیستند؟ آیا آنان از امت شما، از برادران ایمانی شما و از شرافت و عزت شما نیستند؟

چگونه می‌توانید شاهد قتل هر روزه‌شان باشید و خاموش بمانید، در حالی که مطیع فرمان‌هایی حاکمانی هستید که دین‌شان و عزت امت‌شان را به دشمنان فروخته‌اند؟ آیا نمی‌بینید آنچه را که بر سر مردم غزه می‌آید؟ آن همه وحشت و مصیبتی که تنها به‌اندازه‌ی پرتاب سنگی از شما فاصله دارد؟ آیا خوشحال‌تان می‌کند که آنان گرسنه بمانند؟ آیا راضی‌تان می‌کند که نابود شوند و از میان بروند؟

ای سربازان کِنانه، ای فرزندان عمرو بن عاص و قطز و بیبرس و قلاوون! ای بازماندگان ارتشی که دژهای صلیبیان را در هم کوبید و مغول‌ها را به زانو درآورد! چگونه ممکن است که امروز ارتش شما به نهبان توافق‌نامه‌های ذلت و خواری بدل شده باشد؟ چگونه ممکن است که ارتشی با آن پیشینه، اکنون پاسدار مرزهایی باشد که استعمار برای تکه‌تکه کردن امت اسلامی ترسیم کرده و محافظ سفارت‌های دشمنان باشد؛ در حالی که برادران‌تان در غزه با فریاد، یاری شما را می‌طلبند؟ آیا صلاح‌الدین ابن‌وضع را می‌پذیرفت؟ آیا مظفر قطز یا بیبرس در برابر چنین ظلمی خاموش می‌مانند؟

نه، به الله قسم! بلکه ایشان سپاه خود را گرد می‌آوردند، چون شیران به‌سوی میدان می‌تاختند، و سرزمین مقدس را از پلیدی متجاوزان پاک می‌کردند، بی‌آن‌که از سرزنش هیچ سرزنش‌گری در راه الله سبحانه و تعالی بیمی به دل راه دهند.

اما شما ای سربازان مصر، الله سبحانه و تعالی قدرت و صلابت را به شما عطا کرده است، در دل‌هایتان شهامت و غیرت را کاشته است. ولی این نظام فاسدی که بر شما حکم می‌راند، دست و پای‌تان را بسته است، شما را با معاش و رتبه‌ها سرگرم کرده و از انجام وظیفه بزرگ‌تان یعنی دفاع از امت، مقدسات، خون‌ها و نوامیس مسلمانان بازداشته است.

ای دلیرمردان سرزمین کنانه، امروز وظیفه شما روشن‌تر از آفتاب است:

۱. شکستن مرزهای ساختگی‌ای که میان شما و غزه فاصله انداخته‌اند و گشودن گذرگاه‌ها برای رساندن کمک و یاری، نه آن‌که از این گذرگاه‌ها برای تشدید محاصره و گرسنه نگه‌داشتن مسلمانان استفاده شود.

۲. حرکت فوری به سوی سرزمین مقدس، نه تنها برای آزادسازی غزه، بلکه برای آزادسازی تمام فلسطین، از نهر تا بحر، از آغاز تا انجام.

۳. رد قاطعانه دستورهای ظالمانه‌ای که شما را مجبور می‌سازد تا برادران‌تان را تنها بگذارید و تلاش برای سرنگونی این نظام خائن که مانع انجام وظیفه مقدس‌تان می‌شود.

۴. پیوستن به صف امت اسلامی، به جای هم‌پیمانی با دشمنان آن و یکپارچه ساختن صفوف زیر پرچم اسلام، نه زیر پرچم‌های استعمار و تجزیه‌گری.

۵. کوشش پیگیر برای برپایی خلافت راشده، که ارتش‌های مسلمانان را تحت رهبری مخلص گرد آورد، در راه الله سبحانه و تعالی بجنگد، سرزمین‌های اشغال‌شده را آزاد کند و موجودیت رژیم یهود را برای همیشه از میان بردارد.

ای سربازان کنانه، آیا نخوانده‌اید این سخن پروردگار را که فرمود:

﴿إِن يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ﴾ [آل عمران: 160]

ترجمه: اگر الله (سبحانه و تعالی) شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما پیروز نخواهد شد.

آیا نشنیده‌اید این حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را که فرمود:

«ما من امرئٍ يَخْذُلُ امراً مسلماً في موضعٍ تُنتَهَكُ فيه حرمةٌ ويُنتَقَصُ فيه من عِرضِهِ، إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ في موطنٍ يَحِبُّ فيه نصرتهُ، وما من امرئٍ يَنْصُرُ مسلماً في موضعٍ يُنتَقَصُ فيه من عِرضِهِ ويُنتَهَكُ فيه من حرمةِهِ، إِلَّا نصرَهُ اللَّهُ في موطنٍ يَحِبُّ فيه نصرتهُ» (رواه أبو داود)

ترجمه: هیچ مسلمان نیست که مسلمان دیگری را در جایی که حرمتش شکسته می‌شود و به آبرویش توهین می‌گردد، تنها بگذارد، مگر آن‌که الله او را در جایی که دوست دارد یاری شود، خوار خواهد ساخت. و هیچ مسلمان نیست که مسلمان دیگری را در جایی که به آبرویش تعرض می‌شود و حرمتش پایمال می‌گردد، یاری رساند، مگر این‌که الله سبحانه و تعالی او را در جایی که دوست دارد یاری شود، نصرت خواهد داد.

مردم غزه امروز دیگر نیازی به ابراز تأسف و محکومیت ندارند، نه به بسته‌های غذایی‌ای که زیر سایه‌ی نيزه‌های يهوديان توزیع می‌شود و نه به کنفرانس‌های بی‌نتیجه و بی‌اثر. آنان امروز نیازمند مردانی دلیرند، به لشکرهایی نیاز دارند که برای یاری و آزادی‌شان برخیزند؛ نیازمند غیرتی صادق‌اند که به عمل منجر شود، نه به شعار. شما در کجای این ماجرا ایستاده‌اید؟ آیا راضی هستید که تنها تماشاگر باشید؛ در حالی که سرزمین مقدس به اشغال درمی‌آید، و مسلمانان آن قتل‌عام می‌شوند؟ آیا می‌پذیرید که تاریخ شما را در صفحات خواری و تسلیم ثبت کند، به جای آن که نام‌تان را در برگ‌های افتخار و عزت بنگارد؟

ای دلیرمردان ارتش مصر! دیگر برای شما هیچ عذری باقی نمانده است. جنایاتی که در غزه رخ می‌دهد، به نقطه‌ای رسیده که سکوت در برابر آن ممکن نیست. محاصره به حدی رسیده که هیچ انسانی طاقت آن را ندارد. هر کس که توان یاری دارد اما یاری نمی‌رساند، در جرم شریک است و در پیشگاه الله سبحانه و تعالی مسئول است؛ در برابر هر خونی که ریخته می‌شود، هر کودکی که کشته می‌شود و هر خانه‌ای که ویران می‌گردد. دیگر برای شما هیچ عذر و بهانه‌ای باقی نمانده است؛ یا در صف امت‌تان می‌ایستید و برای یاری برادران‌تان به پا می‌خیزید یا آن که گناه نشستن و خیانت بر دوش‌تان خواهد بود.

ای سربازان سرزمین کنانه! امروز روز شماس است و این فرصت طلایی شماس است تا شرف جهاد در راه الله را به دست آورید؛ شرف دفاع از اسلام و مسلمانان و افتخار ایستادن در صف حق در برابر باطل. امروز برخیزید، پیش از آن که روزی فرا رسد که پشیمانی سودی ندهد. اکنون اقدام کنید؛ چرا که بهشت در انتظار کسی است که از مردم غزه دفاع کند، عزت امت‌تان چشم به راه شماس است و تاریخ آماده است تا صفحه‌ی درخشان بعدی‌اش را به نام شما ثبت کند، ان‌شاءالله.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنَجِّيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۱۰) تَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [الصف: 10-11]

ترجمه: ای مومنان! آیا شما را به بازرگانی و معامله‌ای رهنمود سازم که شما را از عذاب بسیار دردناک دوزخ رها سازد؟ (و آن این است که) به الله و پیامبرش ایمان می‌آورید و در راه الله با مال و جان تلاش و جهاد می‌کنی. اگر بدانید این برای شما (از هر چیز دیگری) بهتر است.

اللهم هل بلغنا.. اللهم فاشهد.

نویسنده: سعید فضل

مترجم: پارسا امیدی